



سال سوم، شماره ۱۱۱

پنجشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۶۰

رهائی

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

قایق شکسته جمهوری اسلامی هر دم بیشتر به گل می نشیند

اقتصادی که بوجد آمد ما اشاره کرده و بعد از زمیته چینیسی مفصل در خصوص معجزاتی که در جمهوری اسلامی بوقوع پیوسته آنها لایحه اظهار میدارد که وضع ذخیره‌ی ارزی بسیار خراب است و بنابراین "کمزندها را باید سفت کرد". او سپس طرحهای رژیم را برای رفع خطر از وضع کنونی توضیح میدهد. از جمله پیشنهادات دولت این است که کسب و کارخانجات باید میزان تولید کنونی خود را بین ۲۵ تا ۵۰ درصد پائین آورند. (توضیحا باید اضافه کرد که این پیشنهاد در حالی مطرح میشود که هم اکنون تولید اغلب کارخانجات در بهترین حالت به ۵۰ درصد ظرفیت کامل آنها نیز نمیرسد.) این تصمیم حتی شامل صنایع غذایی هم میشود. تأمیر رژیم بعلاوه اطلاع میدهد که دولت در نظر دارد برای هر کارخانه سهمیهای ارزی مقرر کند. مقدار این سهمیه باین ترتیب محاسبه خواهد شد که متوسط مصرف ارز هر کارخانه‌ی تولیدی در سه سال گذشته (۵۲-۵۳-۵۴) را محاسبه کرده و ۲۵ درصد از آن حد متوسط را بعنوان سهمیه در اختیار کارخانه قرار میدهند تا بتوانند بخش ناچیزی از احتیاجات مواد خام و اولیه‌ی خود را تهیه کنند و باینکه میزان ارزی که توسط بانک مرکزی در اختیار مؤسسات تولیدی قرار خواهد گرفت براساس تعداد کارگران شاغل در آنها تعیین خواهد شد. نماینده‌ی رژیم در این سمینار در پاسخ به این سؤال که در صورت پائین آوردن تولید، پرداخت دستمزدها از چه منبعی تأمین خواهد شد، نهایت بیشرمی ابراز میکند که هر کارخانه که بودجهای برای پرداخت حقوق ندارد باید ۲۰ تا ۳۰ درصد حقوق کارگران و کارمندان خود را فعلا بعنوان علی الحساب به آنان پرداخت کند و مابقی را به حساب طلب آنها از کارخانه منظور نمایند و هر کارگر براساس

بقیه در صفحه‌ی ۲

ایجاد تنگناهای اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی هر روز بیشتر برملاشد و تلاش برای پنهان نگه داشتن آن مذبحخانه‌تیسر جلوه‌گر میشود. کمبود بااحتیاج روزمره‌ی مردم اکنون به مرحله‌ای رسیده که لایحه‌ی آن تحت عناوین مختلف "جنگ"، "احتکار" و غیره دیگر امکان پذیر نیست. تشکیل صفهای طولانی برای تهیه‌ی گوشت، برنج و روغن و نیاز و... به لایحه‌ی صاحبان عوام فریب هیئت حاکمه را وادار کرده است که به نحوی باین

که بودها اذعان کرده و شرایط ذهنی برای ورود به شرایط سیاهتری را که در آینده‌ی نزدیک در انتظار آنان است فراهم تر کنند. آنچه هنوز رژیم جمهوری اسلامی از بیان آن طفره میبرد وضعیت ناهنجار و نابسامانی است که بخش اعظم صنایع از مدت‌ها پیش به آن

چندی پیش (سپتامبر ۱۳۶۰) سازمان صنایع ملی ایران از مدبریت کارخانجات مختلف برای تشکیل سمینار مهمی دعوت بعمل آورد. در این سمینار که اکثریت مدبران کارخانجات در آن شرکت داشتند، فردی بنام مرضی، یکی از اعضای شورای هماهنگی سازمان صنایع ملی ایران ضمن تشریح "برنامه‌های اقتصادی رژیم" به وضع نابسامان

تکثیر از طرفداران سازمان وحدت کمونیستی در خارج از کشور

قایق شکسته . . .

بقیه از صفحه ۱

کارمندی را هم که به این تصمیم اعتراض داشت اخراج کند . در جلسه د یگری که چند روز پیش با شرکت یکی از مدیران کارخانجات و یکی از نمایندگان وزیر صنایع تشکیل شده بود ، او باردیگر از ظن نگردن کارخانجات صنعت مطلع است و در جواب نگرانی مدیران از به تعطیل کشاندن شدن کارخانجات و بیگارشدن کارگران پاسخ داد که همه کارخانجات کم و بیش چنین وضعیتی دارند و دولت هنوز اجازه به بیگاری کارگران فکری نکرده است . البته این معاون وزیر بسیار از وضع راضی بود و معتقد بود که وضع هر روز بهتر از روز پیش میشود . به مدیر مزبور امیدواری میداد که "انشاءالله با رهنمودهای امام بزودی اوضاع خوب خواهد شد ." (لازم به تذکر است که این معاون قبل از اشغال این پست ، قاری قرآن بود طاعت) هم اکنون در چندین کارخانه حدود سه ماه است که تحت توجهات امام حامی مستضعفین "حقوق کارگران پرداخت نشده و پیش بینی میشود که جلوه گیری از ورود مواد اولیه به میزان کنونی در آینده نزدیک سایر کارخانهای تولیدی نیز به چنین وضعی دچار خواهند شد . زیرا اکنون که فقط سه ماه و نیم از منقضیت گشایش اعتبار (برای ورود مواد مورد مصرف کارخانجات) گذشته ، بصاری از بخشهای صنایع قادر به ادای فعالیت تولیدی نیستند و حتی اگر از همین امروز گشایش اعتبار جدید آغاز شده و ورود کالا آزاد شود ، به توجیه به مدت زمان لازم برای تهیه مواد و حمل آنها به ایران ، اینگونه کارخانجات حداقل عمارت تعطیل خواهند شد . بی دلیل نیست که قداره بندان رژیم موج جدید تهدید و ارطاب علیه کارگران را ترویج کرده و تحت عناوین مختلف "علیه مزدوران اجانب که در لباس کارگران در کارخانجات اغسال میکنند " اعلامیه صادر میکنند و باز بی دلیل نیست که مقامات ریز و درشت رژیم نقش ارزنده ملی انجمنهای اسلامی را با طر آورده و زمینه را برای سرکوب وسیع و سرتاسری اعتراضات کارگران زحمتکش علیه فقر و بیخانمانی روز افزون فراهم میکنند .

وحشت از واج گیری دامنه اعتراضات کارگری آنچنان سردمداران رژیم را هراسان گردانست که علاوه بر تشدید استبداد و همجانیه اصلاح سرکوب آنها را بجان بیکدیگر انداخته و به دعوی برای یافتن "مقصر اصلی" دامن زده است . در کمیسیون صنایع مجلس بحث بر سر این بوده است که سازمان صنایع ملی به صنایع مملکت لطمه می رسد و وظایفش را بخصی انجام نداده است . به همین دلیل صنایع خود ریزی را که تحت پوشش سازمان صنایع ملی بود ، از نظارت این سازمان خارج کرده و تحت اختیار سازمان گسترش و توسعه صنایع قرار دادند از طرف دیگر وزیر کار طی بخشنامه ای انتخابات جدید برای شوراهای اسلامی کارخانجات

را موکل به دخالت و نظارت وزارت کار کرده و عملاً آنها را بلاموضوع اسلام کرده است . باید توجه داشت که کارگران زحمتکش مبین ما را زمانی بیگاری و فقر تهدید میکند که نمایندگان رژیم با دست و دلبازی بی نظیری میلیاردها دلار سرمایه های متعلق به زحمتکشان را دودستی تقدیم نماینده های غارتگر خارجی کرده و به تاراج میدهند و احوال های تولیدی در حالی به بهانه ای کمبود ارز به تعطیل کشانده میشوند که بنا به اقرار نمایندگان رژیم تمام ادعاهای این نماینده ها طبق قرارداد ننگین الجزایر باید تا دینار آخر تحویل آنها گردد . سردمداران بی مایه و موافق رژیم که زمانه خیره شب بزاری "گروگان گیری" را برای تسویه حساب های درونی خود و همچنین سرکوب کلیه مبارزات حق طلبانه مردم برآه انداختند ، اکنون در موقعی که منافع نماینده های خارجی در خطر بود ، آنچنان از حول حلیسم توی دیک افتادند که تمام عوارضی های گذشته را فراموش کرده و ضمن آزاد کردن گروگانها بخش اعظم دارایی های ایران را نیز تقدیم آنها کردند . اما چه باک ، " دست غیب " باردیگر به کمک آنها شتافت و این بار جنگ و رژیم ارتجاعی ایران و عراق مستسکی برای فریب تسویه شد .

هر روز میلیونها دلار از ذخایر ارزی به مصرف خرید جنگ افزار برای ادامه جنگ ارتجاعی میرسد و میلیونها تن از زحمتکشان آواره کشور در فقر و گرسنگی بسر میبرند و بسا این همه رژیم از "خیبرات جنگ" دم میزند . چگونه است که رژیم مدعی مبارزه با صهیونیسم و امپریالیسم ارز برای خرید لوازم جنگی از اسرائیل و قاچاقچیان بین المللی دارد ولی جایکه پای منافع زحمتکشان و تأمین حداقل معیشت برای آنان در بین است حتی فراموش میکند که قبل از تصمیم گیری در مورد وضعیت کارخانجات به آینده ای صدها هزار کارگری بیگار خواهند شد ، ببنند بشد .

اکنون با گذشت نزدیک به سه سال از حاکمیت سیاه ارتجاع کارگران نیز در کنار سایر زحمتکشان به ماهیت این رژیم قرون وسطایی پی برده دیگر فریب شعارهای تو خالی را نخواهند خورد . رژیم آخوندی خمینی زود عاق و دشنی خود با زحمتکشان آشکار کرده و خود نیز دریافته است که با وعده وعید نخواهد توانست با موج روزافزون مبارزات کارگری به مقابله برخیزد . اخراج گروهی کارگران پیشرو و انقلابی از کارخانجات که از مدتی پیش آغاز شده بود ، هنوز با شدت ادامه دارد و کوچکترین صدای اعتراضی توسط پاسداران سرمایه پاسخی مرکب از می باید . اما آیا این همه برای بقای این رژیم پوسیده کافی است ؟ رژیم آخوندی در ماههای آینده میتواند آزمون عبرت آموزی برای این مرتجعین و پاسگرا باشد . آزمونی که در آن پرچم مبارزات کارگری را هفتا خواهد بود .

جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان ، حامی سرمایه دار

”بیانیه الجزایر“

سند پرداخت وجوه شرعی به امپریالیسم امریکا!

و بعد نویسنده اضافه میکند که: «حق این بود که کمیته‌ی هماهنگی . . . نیز به چنین کاری دست بزند ولی بخت بد و سرنوشت محتوم رژیم اسلامی حکم میکرد که بعلمت تراکم کار در کمیته هماهنگی و قلت کارکنان» «از انجام این مهم عاجز بماند» .

۱- حوزه‌ی اختیارات داورى "یا کلاه‌گشا د مبرسر رژیم‌خیمینى نویسنده پس از نقل چند بند از متن "بیانیه الجزایر" (نام محترمانه‌ی قرارداد ایران و امریکا) در زمینه‌ی صلاحیت و "حوزه‌ی اختیارات داورى" و چگونگی آن ، به نکاتی اشاره میکند که از آن دو نکته زیر استنتاج میشود :

الف : مفایر بودن "بیانیه الجزایر" با اصل ۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی در مواردی که طرف‌دعوی خارجی باشد " در صوبه ۵۹ / ۱۰ / ۲۴ ، مجلس شورای اسلامی فقط ارجاع اختلافات مالی و حقوقی فی مابین دولت جمهوری اسلامی و دولت امریکا به داورى اجازه داده شد ماست " و در حالیکه (با توجه به نمونه‌هایی که در سندها موجود است) "بیانیه الجزایر" مفیدهای همان مواد آورده شده) اتباع دو کشور نیز اجازه دارند که علیه دولت و "سازمانهای تحت کنترل" دولت مقابل ، اقامه‌ی دعوی کرده و داورى مراجعه کنند . در نتیجه قرارداد ایران و امریکا ("بیانیه الجزایر") نه تنها مفایر با قانون اساسی جمهوری اسلامی بلکه همچنین مفایر با صوبه ۵۹ / ۱۰ / ۲۴ مجلس شورای اسلامی است .

ب- یا از روی جهل و نادانی و یا (بیشتر) به دلیل بهم کلک زدن مقامات جمهوری اسلامی ، ترجمه‌ی فارسی و انگلیسی "بیانیه الجزایر" با هم متفاوت است . در سند مورد بحث یک نمونه از دو متن انگلیسی و فارسی آورده و نتیجه گرفته میشود :

"همانطورى که ملاحظه میگردد ، دو کلمه‌ی دولت و اتباع در فارسی با حرف ربط "با" بهم وصل شده در صورتیکه در انگلیسی با حرف ربط "و" و این خود از نظر حوزه‌ی اختیارات هیئت داورى و معانی مربوط به آن ایجاد تردید می نماید " (صفحات ۳-۱ سند) .

۲- طرح ادعاها " یا از هر طرف بین بست و در ماندگی دیدیم که "بیانیه الجزایر" طبق گفته‌ی "ستاد هماهنگی اجرای بیانیه الجزایر مستقر در سازمان صنایع ملی ایران" مفایر با قانون اساسی جمهوری اسلامی و مصوبه‌ی ۵۹ / ۱۰ / ۲۴ مجلس شورای اسلامی است با اینحال ، از طرف دستگاه‌های ذیربط (۱) به کلیه سازمانها ابلاغ گردیده که کلیه ادعاها و دادخواستهای خود را در مهلت مقرر به کمیته‌ی اجرای بیانیه الجزایر ارسال دارند . "ستاد هماهنگی . . . نیز" عین دستور داده شده " را " به کلیه شرکت‌های تحت پوشش " خود " ابلاغ کرده ولى از یک طرف

پس از اینکه "انقلاب دوم بزرگتر از انقلاب اول" رهبر حقیر ، با سرشکستگى و خواری مفتضحانه‌ی به شکست انجامید ، پس از اینکه رژیم مفلوک اسلامی با شتاب و وحشت - زدگی غیر قابل تصور ، درست فقط در آخرین لحظات انتقال قدرت به ریگان ، گروهک‌های امریکایی را آزاد کرد (چراکه رژیم اسلامی خوب میدانست که کابوی نگرانی بر خلاف با دام - فروش ماساچوستی ، اهل شوخی و چانه زدن نبود) ، پس از اینکه رژیم خائن خمینی ، بیش از ۵ میلیارد دلار از ذخایر ارزی ایران را یکجا به امپریالیسم امریکا هدیه داد ، "بیانیه الجزایر" یا حلقه‌ی برذکى آنچنان برگردنش باقی ماند و امپریالیسم امریکا ، رژیم زمین‌ولیاقت اسلامی را هر جا که خاطر خواه اوست ، می کشانید و می کشاند .

اخیرا یک سند داخلى رژیم تحت عنوان "تحلیلی بسر بیانیه الجزایر و اجرای آن" بدستمان افتاده است که گوشه‌ای از این درماندگی و زبونی و ناتوانی را به نمایش میگذارد .

مخاطب این نوشته ، در نسخهای که بدست ما رسیده ، مشخص نیست ولی بنظر میرسد که یکی از مقامات رژیم اسلامی (مثلا بهزاد نبوی یا حسین موسوی) باشد . هویت نویسنده‌ی واقعی (که تحت عنوان "ستاد هماهنگی اجرای بیانیه‌ی الجزایر مستقر در سازمان صنایع ملی ایران" امضاء کرده) نیز معلوم نیست ولی پیداست که یک فرد مشخص است (چرا که همه جا با اول شخص مفرد سخن میگوید نه بنام "ستاد هماهنگی . . .") و به احتمال قریب به یقین ، مسئول "ستاد هماهنگی اجرای بیانیه الجزایر" . . . است . نویسنده در مقدمه‌ی سند مینویسد :

" نظر به مسئولیتی که شورای سازمان صنایع ملی ایران در ارتباط با اجرای بیانیه الجزایر در شهریسور ماه ۱۳۶۰ در مورد شرکت‌های تحت پوشش این سازمان به این جانب محول نمود و از آن تاریخ تاکنون بطور مستمر مسئولیت فوق را داشته و مرتباً به مسائل جدیدی برخورد می نماید و همچنین تجربیات سه ماه گذشته در طی مذاکرات وین و گزارشات مربوط به مذاکرات وین که هم اکنون در ستاد هماهنگی اجرای بیانیه الجزایر مستقر در سازمان صنایع ملی ایران تحت بررسی می باشد بخود اجازه دادیم در ارتباط با بیانیه الجزایر و اجرای آن مطالبی را به استحضار برسانم . مسائل مورد بحث که ذیلا به عرض خواهد رسید چکیده‌ی ساعتها مطالعه ، بحث و بررسی با کلیه‌ی کسانی که بصورت مستقیم و یا غیرمستقیم در اجرای بیانیه به نحوی دخالت داشته اند میباشد و همچنین مطالعه‌ی مطالب و بارها بحثی اجرای بیانیه که بزبان انگلیسی در خارج از ایران (امریکا) منتشر گردیده است نیز شامل میگردد " .

"بعضی از ادعاهای مطرح شده توسط مدیران شرکتها (ای ایرانی) متکی به مستندات قابل ارائه به دیوان داوری نمی باشد" و از طرف دیگر، "طرح دعوی در یک محکمه غیر صالح (از نظر قانون اساسی جمهوری اسلامی) ۰۰ خطرات زیر را به همراه خواهد داشت:

"الف- با فرض اینکه دیوان داوری دادخواست های مربوط به ادعای مؤسسات تحت کنترل دولت علیه اتباع امریکائی به استناد بیانیه حل و فصل و تعاریف آن نپذیرد، در چنین صورتی نیروی عظیمی صرف تهیهی درخواست ها گردیده که مورد پذیرش دیوان داوری نمی باشد"

ب- با فرض اینکه دیوان داوری دادخواستهای مربوط به ادعاهای مؤسسات تحت کنترل علیه اتباع امریکا را نپذیرد و جز کارهای مربوط به اعلام نظر از طرف دیوان قرار دهد و پس از گذشت مدت نسبتا طولانی، داوران عدم صلاحیت دیوان داوری را نسبت به رسیدگی دعوی فوق (که بر اساس بیانیه حل و فصل آن خارج از حوزه اختیارات دیوان داوری می باشد) اعلام نماید، در چنین صورتی خطرات زیر ممکن است به وقوع بپیوندد:

۱- دعوا مشمول مرور زمان گردد و قابل طرح در محاکم صالحه دیگر نباشد.

۲- بر اساس قسمت آخر بند ۲ ماده ۲ بیانیه: "ادعاهایی که به هیئت داوری ارجاع میشود از تاریخ طرح ادعا نزد هیئت داوری، خارج از صلاحیت تقاضای دادگاههای ایران و ایالات متحده و یا هر دادگاه دیگر خواهد بود" در نتیجه ممکن است امکان طرح دعوی در محاکم صالح دیگر از بین برود (صفحات ۳-۴ سند).

به بیان روشنتر، علی رغم وجود رهبران "صد درصد مکتبی" و ویژه رهبری پیغمبرگونه و "خداگونه" امام است، حقوقدانان "شیطان بزرگ" با اطلاع از ابعاد باورنکردنی جهل و حماقت رژیم آخوندی آنچنان گلاهد گشادی بسررژیم خمینی گذاشتند که از هر طرف بخواهد حرکت کند، بسا بن بست و درماندگی مواجه خواهد شد که نه تنها "نائب امام زمان، بلکه شخص" امام زمان" و هر موجود موهوم دیگر نیز نمیتواند کمترین کمکی به آن بکند، چرا که "شیطان بزرگ"، خرخره‌ی رژیم اسلامی را محکم چسبیده و تما مراههای گریز را پیشاپیش سدود کرده است، و رژیم متفوق خمینی جلاد که فکر میکرد با انعقاد قرارداد خانفانهی ایران و امریکا ("بیانیهی الجزایر") میتواند محبت امپریالیسم امریکا را بخود جلب کند، و اکنون فقط از این ناراحت است که بسا تمام حاتم بخشی‌ها از کیسهی زحمتکشان ایران، امریکا همچنان به ناسپاسی خود نسبت به رژیم صریح جمهوری اسلامی ادامه میدهد، چرا که:

به مجرد اتمام بیانیهی الجزایر، دولت امریکا موظف بوده است با رفع تحریم، تمام اوضاع و احوال را به شرایط قبل از گروگان گیری برگردانده در حالیکه ۰۰۰ تحریم کفکان ادامه دارد" (۲)

"۳- یک میلیارد سپرده و خزانه‌ی خالی جمهوری اسلامی طبق ماده ۷ "بیانیهی الجزایر"، جمهوری اسلامی قبول کرده است که یک میلیارد دلار از ذخایر مسدود شده ایران توسط امپریالیسم امریکا را در یک حساب مخصوص در بانک مرکزی هلند بسپارد. این مبلغ "برای تضمین پرداخت و تأدیة ادعاها علیه دولت ایران طبق بیانیه حل و فصل ادعاها مورد استفاده قرار خواهد گرفت، و همچنین ایران تعهد نموده است که موجودی حساب سپرده فوق را در سطح ۵۰۰ میلیون دلار نگهدار خواهد نمود".

چندی پیش نیویورک نوشت:

"مقامات واشنگتن در حال حاضر نگرانند که مبادا ایران توافق خود دال بر پرداخت ادعاهای تجاری امریکائی را، که میتواند بالغ بر چهار میلیارد دلار شود نفی کند. . . بانک مرکزی ایران قول داده است - اگر بتوان برای این قول ارزشی قائل شد - پاسخگوی بدهی‌های دولت باشد ولی بنظر نمیرسد راهسی برای تضمین بخش عمده‌ای از ادعاها وجود داشته باشد. یک مقام مالی با تحقیر میگوید بچگونه میتوان با دولتی معامله کرد که بقصد مرگ به خودش شلیک میکند".

نگرانی فوق‌الذکر محافل امپریالیستی (با توجه به عواطفی که در درون رژیم اسلامی دارند و با توجه به اطلاع دقیق آنها از ورشکستگی اقتصادی رژیم) البته بی پایه نبود، چرا که در سند مورد بحث "ستاد هماغتی . . ." چنین میخوانیم:

"در بیشتر مذاکرات و مراودات با مسئولین (حکومت اسلامی) صحبت بر سر آن است که ایران مبلغ یک میلیارد دلار جهت تأدیة ادعاها علیه ایران، اختصاصی داده و دیگر هیچ وجهی به امریکائیان را از منابع دیگر پرداخت نخواهد کردید".

روشنتر اینکه رژیم اسلامی، یک میلیارد دلار سپردن را پیشاپیش بپوش باخته حساب میکند یعنی علاوه بر بیش از ۵ میلیارد دلار سابق‌الذکر، حاضر است یک میلیارد دلار دیگر را به امپریالیسم امریکا بپاچ بدهد، اما نکته جالب این است که رژیم با اینکه در قرارداد ایران و امریکا ("بیانیهی الجزایر") تعهد کرده است هر مبلغ نامحدود دیگری که هیئت داوری حکم بدهد (و از قول نویسنده سند هم خواهیم دید که میلیونها پرداخت این مبلغ نامحدود است)، به پرداخت کند. پس معنای این نپرداختن "دیگر هیچ وجهی به امریکائیان از منابع دیگر چیست؟ آیا رژیم خمینی در مقابل توسری‌های مداوم "شیطان بزرگ" سر به عصیان و طغیان برداشته است؟ نه، واقعیتی را که تمام عالم میدانند از زبان علی‌رضا نوری - رئیس سابق بانک مرکزی، که از وضع ذخایر ارزی رژیم بخوبی اطلاع دارد - نیز بشنومیم. نوری چندین بار در مصاحبه‌ای با "واشنگتن پست" اعلام داشت که:

رژیم جمهوری اسلامی از نظر ذخایر ارزی در چنان وضع رفیقت‌سازی بسر میبرد که نمیتواند بسراری رساندن سپرده مخصوص به مبلغ

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دگر باید

۵۰۰ میلیون دلار، حتی یک دلار هم به بانک مرکزی هلند واریز کند.
موضوع را از متن سند دنبال کنیم این درمادگی رژیم اسلامی را از زبان یکی از مقامات سرسپرده رژیم بشنویم:

"این نظریه (یعنی نپرداختن دیگر هیچ وجهی به امریکائیان از منابع دیگر) البته صحیح است اما مطالب زیر نیز می‌بایستی مورد توجه قرار گیرد:

الف - دولت ایران تعهد نموده است که چنانچه میزان سپرده موضوع فوق از حد ۵۰۰ میلیون دلار تنزل نماید با گذاشتن سپرده‌های جدید موجودی حساب مذکور را به سطح ۵۰۰ میلیون دلار خواهد رساند.

ب - طبق بند ۳ ماده ۴ بیانیه‌ی حل و فصل: "هر حکمی که هیئت داورى علیه هر یک از دولتین صادر نماید، علیه آن دولت در دادگاه‌های هر کشورى طبق قوانین آن کشور قابل اجرا خواهد بود."

"لذا ایجاد سپرده و یا گذاشتن سپرده‌ی جدید جهت نگهداری سپرده‌ی تضمینی در حدود

۵۰۰ میلیون دلار دارای مفهوم اجرائی چندانی بابت تأدیهای ادعاهایی که از طریق هیئت داورى منجر به صدور حکم گردیده است نمی‌باشد، چه چنانچه فرض

شود که ایران نخواهد سپرده‌ی تضمینی و صوف را در حد مورد تعهد خود نگهدارد و تمام مبلغ سپرده (یک میلیارد دلار) صرف تأدیهای تسعیتی از احکام

صادر کرده گردد بر اساس بند ۳ ماده ۴ موصوف، قابل اجرا در کشورهای دیگر از جمله کشورهای طرف معامله ایران خواهد بود. لذا این نظر می‌رسد کلیه

احکام صادره توسط هیئت داورى علیه ایران در هر حد و میزان (مازاد بر یک میلیارد دلار) چه ایران در حساب سپرده‌ی تضمینی وجهی از (آن) بابت داشته و یا نداشته باشد، قابل اجرا و قابل وصول

توسط طرف امریکائی خواهد بود" (صفحات ۴-۳ سند) عبارت فوق آنچنان گویا و رساست که هیچ نیازی به توضیح و تفسیر ندارد.

"۴- حل و فصل ادعاها" یا اعتراف به ناتوانی مطلق در سند میخوانیم:

"طبق ماده‌ی یک بیانیه حل و فصل ادعاها: "هر یک از ادعاهائی که طرف ۶ ماهه از تاریخ اجرائی بیانیه حل و فصل نشود طبق شرایط مندرج در این بیانیه به حکمتی شخص ثالث (داورى) ارجاع خواهد گردید"

البته مهلت مندرج در فوق به مدت سه ماه تمدید گردید و ادعاهائی که تا تاریخ ۹ اکتبر ۱۹۸۱ احل و فصل نگردد قابل ارائه به هیئت داورى می‌باشد"

لازم به تذکر است که این مهلت جدید برای سومین بار تا تاریخ ۱۹ ژانویه ۸۲-۲۹ دیماه ۶۰ تمدید شده است. اگر رژیم اسلامی بطوریکه از ظواهر امر سر می‌آید، تن به مسازش بیشتر دهد، تمدید

این مهلت بازهم برای چهارمین بار مستعمل است، زیرا هدف امپریالیسم امریکا و کمپانی‌های آن، خرسواری بیشتر است و یا بقول نویسنده‌ی این سند، بطوریکه بعسدا خواهیم دید، آنها حاضر به دریافت مقداری از طلب واقعی (!) خود ولی سریع هستند. مثلا فلان کمپانی امریکائی ترجیح می‌دهد که ۵۰۰ میلیون دلار را مذاکره مستقیم با نمایندگان رژیم اسلامی، امروز نقدا دریافت کند تا اینکه چند سال دیگر، پس از عبور از پیچ و خم های "داورى"، به ۷۵۰ میلیون دلار مورد ادعاهای خود برسد و یا نرسد.

در دنباله‌ی سند میخوانیم: "در شهریورماه ۶۰ (سیستامبر ۸۱، قبل از اینکه مهلت دوم خاتمه یابد) طبق راهنماثیبی و دستورالعمل‌های صادره از طرف کمیته‌ی هماهنگی و اجرای بیانیه‌ی الجزایر، هیئتهای مذاکره‌کننده (ی رژیم اسلامی) جهت حل دعای، طبق

قرارهای قبلی با طرفهای امریکائی ((شیطان بزرگ))، عازم کشورهای مورد قرار گردیدند (اتریش- وین) قبل شرح و توضیحات در مورد مذاکرات (بین نمایندگان دولت امریکا و کمپانیهای آن با رژیم اسلامی) ونحوه ونتیجه آن ذکر

مطالب زیر ضروری بنظر می‌رسد: الف - بدلائل مختلف بعضی از خواننده‌های ایرانی یا خواهان خود ملاقات و مذاکره نمودند.

ب - برخی از هیئتهای ایرانی بدون تعیین قرار قبلی و تأیید آن، عازم محل مذاکره گردیدند و چون خواهان ((امریکائی)) از وجود چنین مذاکراتی بی اطلاع بود، لذا ملاقات و مذاکره صورت نپذیرفت

و هیئت ایرانی بدون حتی ملاقات به کشور مراجعت نمودند.

ج - بعضی از هیئتهای ایرانی جهت طرح دعوا و یا پاسخگوئی به ادعاهائی عازم خارج از کشور گردیدند که اصولا ادعائی وجود نداشت و یا در چارچوب بیانیه قرار نمیگرفت.

در ادامه سند، میخوانیم که "مذاکرات انجام شده ((بین هیئتهای امریکائی و ایرانی)) در وین بجز در موارد نادر و بدلائل زیر بدون نتیجه بوده است:

الف - گروهی از هیئتهای مذاکره‌کننده ((ی رژیم اسلامی)) اکثرا بدون آمادگی کافی و داشتن اطلاعات عازم خارج از کشور گردیدند.

ب - گروهی از هیئتهای مذاکره‌کننده و یا اشخاص مذاکره‌کننده ((ی رژیم اسلامی)) از کیفیت کاری بسیار پائینی برخوردار بودند و در بعضی از موارد، هیئت یا شخصی نه تنها از موضوع مذاکره بی اطلاع بود و موارد اختلاف را نمیدانست بلکه به یک زبان خارجی نیز آشنائی نداشت.

ج - پشتیبانی ((از نظر متخصصان)) مالی ((در)) گروههای مذاکره‌کننده ((ی رژیم اسلامی)) اکثرا ضعیف بود و بعضی از گروهها اصلا متخصص مالی همراه خود نداشتند و یا در صورت داشتن فرد ((متخصص)) مالی، ((ناآمده)) از آگاهی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

و قدر کافی موجود است

د - کثرت گروههای مداخله کننده ایرانی رژیم... فاش شده است...
مذاکره عمومی بود و بدین ترتیب ریشهها عمودا تقوایی
و مغز - کشور (وجود) خیر سی افلاخ بود بد
ه - بعضی از موارد، رهسودهای داده نشده
و از طرف مقام رژیم اسلامی ۱۱ به گروههای مداخله
کننده مسمی بر عدم حل دعوی بود و بیشتر ارجاع به
داوری بد نظر بوده است.

و- بعضی از افراد با گروههای مداخله کننده (رژیم
اسلامی) در مواردی که مذاکرات به نتیجه مورد توجه
خودشان نرسید حاضر به شریک شدن و تقاضا
نمودند و متکی بر مثال معروف اصفا نمودن مسئولیت
دارد به اصفا نمودن بودند.

ز- امکانات ستاد هماهنگی (نمایندگان رژیم اسلامی
در) مذاکرات بسیار ضعیف بود و تقریباً کلیه ی
مسئولان تخصصی در ارتباط با بهیاسه‌ای الحزایر
بدون جواب میماند.

ح- و بالاخره گروهی از مداخله کنندگان (رژیم
اسلامی) اصولاً سبب حل ادعاها (ای آمریکا نیان) را
را نداشتند و حتی راهی که ادعا به میزان کمتر از ارقام
واقعی و مسطقی میرسید، این مسئله بیشتر از عدم
تفهم و اجرائی بهیاسه سرچشمه میگرفت. این موضوع
حالت میباشد که شاید پیش از جیمی از مداخله کنندگان
(رژیم اسلامی) حتی من حیث سبب الحزایر را ندیده
و یا حیوانده بودند و این در حالی بود که طرفهای
امریکائی، با حرویات، شریکانه آخرین اطلاعات و گزارش
شات تحلیلی اجرائی بهیاسه الحزایر در مذاکرات شرکت
کرده بودند. (صفحات ۷۷-۷۵ سند)

سبب گیری

نویسندگی سند بهیاسه "نتیجه گیری" میبوسد
با توجه به مطالبی که طی صفحات زیر بعرض رسید
واقعیتهای زیر را ذکر میکند:

الف- اختلال دولت ایران و یا موسسات تحت کنترل
آن راساً حیوانده توانست دادخواستی علیه (دولت
امریکا و) اتباع امریکائی تسلیم داوری نماید.
ب- دادخواستهای متقابل که از طرف موسسات تحت
کنترل دولت (اسلامی) علیه (دولت امریکا و) اتباع
امریکائی تسلیم داوری خواهد گردید از نظر محتوی
و استنادات ضعیف بود.

ج- هیئت داوری مرکب از ۹ عضو میباشد که بهر
صورت شش عضو آن خارجی می باشند (۴)
د- امریکائیان در تهیه دادخواست و ارائه آن به
دادگاهها و مدارک دارای سوابق می باشند.
ه- در مورد دفاع از دادخواستها، امریکائیان به
طراحیتهای حیوانده داشت زیرا که برای هر مورد یک
وکیل استخدام نمودند در صورتیکه دفاع از کل
دادخواستها در ایران توسط چند وکیل صورت خواهد

بدین ترتیب

و- معمولی از مذاکرات مورد همین بیشتر امریکائی
واقع گردید که ممکن است در روزی مورد همین داوری
بدین ترتیب شود و نظیر عدم پرداخت بهره، بهره دیگر
و غیره.

ز- بخاطر ضعف تأخرمانه امریکائی در بیشتر موارد
حاضر به دریافت در صد از طلب واقعی خود ولی
ح- همانطوریکه توضیح داده شد گلیه ای احکام صادره
توسط هیئت داوری قابل اجرا خواهد بود (حسبی

بیشتر از یک میلیارد دلار) (صفحات ۷-۷ سند)
و در پایان، نویسنده سند، با عنایت به واقعیتهای فوق
پیشنهاد میکند که با گرفتن مجوز کافی از مجلسین محترم
و جمهوری اسلامی ایران یک هیئت صلح و تسخیر حرفه ای
برای کل مذاکرات و دفاعیات مربوطه به تمام سارفاها
دولتی و وابسته به دولت را با یک سارفاهی صحیح دنبال
کند (۷) تا "با استعانت به الطاف خداوندی بر شیطان
بزرگ (امریکا) فائق شویم". (صفحات ۷-۷ سند)

با توجه به آنچه در طی صفحات قبل از قول نویسنده سند
دیدیم، در باره فائق شدن، با استعانت به الطاف
خداوندی بر شیطان بزرگ (امریکا) در یک کلمه میسوس
جواب داد. زکی!

ماهها قبل، در رابطهای دیگر، در همین صفحات رهائی،
نوشته بودیم که امریکالیسم امریکا مثلاً در مقابل اراده ی
پولادین حلی ویتنام هیچ غلظی نمیتواند نکند، ولی به
راحتی قادر است که پوره رژیم مطوک حمیسی را خاک بکند.
سند مورد بحث در اینجا، نمونه گلیه ای دیگر است برای مدعا

نویسندگان

(۱) دستورالعملهای دبیریت، محمد علی رحائی است:

در ۱۴ بهمن ماه گذشته، به منظور اجرائی معاد
بهیاسه الحزایر در مورد دعوی مالی ایران شهسود
رحائی حسبت وزیر وقت حشاشائی به گلیه شرکتها و
موسسات دولتی صادر گرد. در این بخشنامه
آمده بود...

(۲) مراجعه نمود به سلسله مقالات گزارش تحلیلی کیهان
از ادعاهای بیوج امریکا و دعوی بحق ایران در رابطه
با اجرائی بهیاسه الحزایر. کیهان ۱۰/۱۰/۶۰.

(۳) مراجعه شود به بیانات بهرادر سوی در همان سلسله

سلسله مقالات، کیهان ۳۰/۱۰/۶۰
(۴) گرچه آمار چه دقیق و چه تقریبی از مجموع کل مبلغ
ادعاهای امریکا در پرونده های ارائه شده به لاهه در دست
رسیت ولی بنظر میرسد که میزان آن چند برابر همین مبلغ
۴ میلیارد باشد:

"آبادی امریکالیسم بیش از ۱۰۰۰ دادخواست مالی
کمتر از ۲۵۰ هزار دلار علیه طلب محروم ایران ارائه
گرداند و ۸۰۰ دادخواست مالی بیشتر از ۲۵۰ هزار
دلار سیر به دیوان بین المللی لاهه فرستادند" (همان

سلسله مقالات کیهان، شماره ۲۰/۱۰/۶۰
ناید توجه داشت که در عبارت مهم زیر
تفسیر در صفحه ی

بیش بسوی تدارک انقلاب سوسیالیستی

لهستان: بحران رویزیونیسم و جنبش توده‌ای (۱)

س - حاصی

لهستان بودصن اینکه تولید کالای بدون مصرف (۳) بود آوری عادات سبناارزان لهستان را حتی میکرد. این عوامل همراه با عدم احرای برنامه‌ی ۱۵ساله همواره ازاهداف خود بسیار دور بود. آغازی بر روند افزایش کسری موازنه پرداخت به شمار میرفت.

روند فون ازطرمی باوضع سال ۱۹۸۰ منجر شد که لهستان را با وامهای کلان بهرسموخواه سیاست، از طرف دیگر بطور ادواری در سالهای ۱۹۷۰، ۱۹۷۶ و سرانجام در ۱۹۸۰ منجر به ایجاد جنبشهای وسیع توده‌ای شد که هر بار به نبال افزایش قیمت مایحتاج عمومی، ولی نه فقط به خاطر آن، به حرکت در می‌آمدند.

۳- سپس در شماره‌ی ۶۲ سندی با عنوان "پیش‌بوی دموکراسی سوسیالیستی" از یک گروه اپوزیسیون کمونیست (به اظهار خود گروه) انتشار دادیم که در آن به بررسی و تحلیل انتقادی مبارزات کارگران و روشنفکران پرداخته و پس از رد سوسیالیستی بودن لهستان اصولی را که "خلال مبارزه برای آنها، یک جنبش کارگری واقعی" بوجود می‌آید یعنی اصولی که "جنبش انقلابی کارگری همیشه برآنها بنا شده است" و "در کمون پاریس در ۱۸۷۱ مطرح شدند" و "پایه فعالیت شوراها و کارگری در روسیه ۱۹۱۷ را تشکیل میداند"، بر سر شمرده شده بود.

پس از آن به شرح خطوط اساسی مبارزات توده‌ای پرداختیم و نشان دادیم که جنبش سال ۱۹۷۰ پس از ۴ سال سکون نسبی (از شورشهای ۱۹۵۶ به بعد) نقطه عطفی بشمار میرفت. در سال ۱۹۷۶ با وجود سرکوب رژیم، کارگران روحیه مبارزاتی خود را از دست نداد و خصوصاً نسبت به آن تشدید شد. در این سال روشنفکران نیز بطور سازمان یافته وارد صحنه شدند. در ۱۹۸۰ نیز جنبش توده‌ای وسیع‌تر از هر بار آغاز و گسترش یافت. این بار دهقانان (که در ۱۹۷۶ بیطرف مانده بودند) نیز به آن پیوستند.

سپس گرایشات اپوزیسیون را بررسی کردیم. در این رابطه به اثر تخریبی کلیسا بر مبارزات کارگران و خطر آن در تحولات آتی اشاره کردیم. همچنین کمیته‌ی دفاع از کارگران "را که بعد ها تبدیل به کمیته‌ی دفاع از خود اجتنامی شد" معرفی کردیم که مهمترین جریان سیاسی متشکل از عناصر مختلف با گرایشات سوسیال دموکراتیک متفاوت بود (این کمیته اخیراً خود را منحل کرد چون معتقد بود "همبستگی" قادر به ادامه‌ی اهداف آن است) و اشاره کردیم که:

"در حقیقت میتوان نتیجه گرفت که بندهای کمونیستی (از لحاظ ذهنی) در جنبش کارگری کمونیست لهستان ضعیف است."

۴- علی‌رآه شوروی را از مداخله‌ی نظامی در لهستان باز میداشت بر شمرده می‌مورد اعتقاد بود نهایت حاکم‌ه‌ی لهستان (برخلاف چکسلواکی ۱۹۶۸)، وضعیت وحدت با اقتصاد لهستان ۲۴ میلیارد دلار وام

در روز ۲۲ آوریل آخره و افعالی که از مدتها قبل انتظار مصرف در لهستان رخ داد: اعلام حکومت نظامی، حمله بلافاصله به مراکز اداری، کارگری همبستگی، دستگیری هزاران مفرز مخالفین و فعالین سیاسی، سرکوب اعضا با تاعترضی که در مواردی صحر به تیراندازی و درگیری و قتل چندین نفر گردید، قطع تمام امکانات ارتباطی مثل تلخ و تلخ و غیره چه در داخل کشور و چه با خارج، پناهیده شدن دهها لهستانی به کشورهای مختلف، بسته شدن تمام مدارس و حتی کودکانها (۱).

ما در گذشته، یکبار در شماره‌ی ۴۵، و یکبار نسیم در سلسله مقالاتی در شماره‌های ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۵ بطور شروح اوضاع لهستان را بررسی کرده و ریشه‌های اقتصادی و سیاسی بحران حاضر را نشان دادیم. بطور خلاصه در سلسله مقالات مذکور:

۱- به روند استقرار دولت به اصطلاح سوسیالیستی در لهستان پرداختیم و نشان دادیم که بدلیل مختلف، و از جمله تضعیف‌های حوسین استالینی در حزب کمونیست لهستان در دهه‌ی ۱۹۳۰ که بالاخره منجر به اسحلال کامل آن در ۱۹۳۸ شد، یک انقلاب سوسیالیستی هرگز در لهستان به وقوع پیوست. این به طبقه کارگر لهستان (که فاقد هرگونه شکل بود) بلکه کمیته‌ای بنام "کمیته‌ی آزادی ملی لهستان" (که توسط استالین در حین جنگ طوهریزی و در سال ۱۹۴۴ مورد حمایت رسمی قرارگرفته بود) قدرت را باحاطیت کامل ارتش شوروی و توسط آن در دست گرفت، و طبقه‌ی کارگر فاقد ارگاسهای طبقاتی لهستان نقشی در تسخیر قدرت نداشت. سرروشت لهستان در حقیقت در پشت درهای بسته‌ی کنفرانس‌های متفقین تمهین شد (۲).

۲- سپس ریشه‌های اقتصادی بحران را بررسی کردیم. علل اصلی در این زمینه عبارت بودند از:

الف: در زمینه کشاورزی - غالب بودن بخش خصوصی و حتی آثار به سوی تبعیت این امر در اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰.
ب: در زمینه صنعتی - ادامه‌ی سیاست غلط در طی دهه‌ی ۱۹۷۰. اتحاد اساسی این سیاست بخصوص در دهه‌ی مذکور با در نظر گرفتن خصوصیات اقتصادی کشورهای اروپای شرقی مسئله شوروی (۳) به این شرح بود: سرمایه‌گذاری با کمک وام از کشورهای بانکهای عربی و وارد کردن وسایل تولید مدرن در بخش‌های بزرگی از اقتصاد، تولید زیاد، صادرات به عرب، و باز پرداخت وام و رشد اقتصادی، دریافت وامچنین این روند که در این سالها دنبال شد و جنبه‌ی غالب اقتصاد را تشکیل میداد در حقیقت لهستان را وابسته به سوانات باار عرب میکرد. به این ترتیب که با شکوفایی اقتصاد عرب در ۱۹۷۳-۱۹۷۱، اقتصاد لهستان نیز وارد دوران شکوفایی شد، ولی بحران رکودی - سوزمی پس از آن در عرب به معنای بالا، پس قیمت مواد اولیه، نفت و غیره برای

خارجی (در آن زمان) ، وضعیت بد کشاورزی شوروی و امکان تحریم غله توسط غرب ، وتود هگبر بودن بیش از حد جنبش در لهستان و گفتیم :

"عالمی که میتواند موجب چنین مداخلهای شود دارای اهمیتی بیش از عوامل مذکور است. امکان ایجاد و گسترش جنبش کارگری با خواستههای مشابه در چکسلواکی ، مجارستان و... و آلمان شرقی و در نتیجه احتمال خارج شدن بخش مهمی از رویای شرقی از حیطه کنترل شوروی . جنبه دیگری این مسئله توانایی دولت لهستان در تحمل مشکلات و از سر گذاراندن بحران است ."

و بالاخره به اوضاع طبقه کارگر لهستان و وسیع آینده ای آن نگرستیم و گفتیم که "متأسفانه گرایشات موجود در سطح رهبری اتحادیه همبستگی دیدگاههای قابل توجهی ارائه نمیدهند" و از بدیل رفهرمیستی ارائه شده توسط کورون (از رهبران کمیته دفاع از خود اجتماعی" که از مشاوران "همبستگی" بشمار میرود) که خواهان دموکراسی پارلمانی بود صریحاً انتقاد کردیم .



در بیش از ده ماهی که از انتشار آخرین مقاله (رهايي ۶۵ ، هفتم اسفند ماه ۱۳۵۹) میگذرد ، اوضاع لهستان روز بروز در جهت وخیمتر شدن پیش رفته است . میزان وامهای خارجی لهستان به ۲۸/۵ میلیارد دلار رسیده است که از این میان فقط ۲ میلیارد دلار آن به کشورهای بلوک شرق است (خبرگزاری فرانسه بنقل از دولت لهستان - کیهان انگلیسی ۲۲ دی) اوضاع دولت بقدری خراب است که از بهار قبل قادر به پرداخت ۲/۳ میلیارد دلار اصل و فرع وام به بانکهای خصوصی کشورهای غربی نبوده است. این بانکها از هراس ورشکست شدن لهستان (۴) با به تعویق انداختن اصل وامها موافقت کرده ولی خواهان پرداخت بهره شدند . بنابراین این توافق در ۲۹ دسامبر (۸ دی) به امضا برسد ولی لهستان نقضای ۳۵۰ میلیون دلار وام کرد تا بتواند بهره وامهای خود را بپردازد (نیوزویک ۴ ژانویه) و این در شرایطی است که کمیته گفتنی نیوزویک کشورهای اروپای شرقی (شوروی) در حدود ۸۰ میلیارد دلار به غرب بدهی دارند . این شرایط و همچنین ادامه داشتن اعتصابات در سراسر کشور منجر به این شد که کمیته مرکزی حزب کمونیست لهستان استانیسلا وکانیا را که در سپتامبر ۱۹۸۰ دبیر اول حزب شد و سپس به ریاست او در ۱۹۸۱ و با رهبران سمت انتخاب شده بوده در

اکتبر ۱۹۸۱ از کار برکنار کرده و برای اولین بار یک نظامی یعنی ژنرال یاروزلسکی را در این مقام قرار دهند . البته وی چند ماه پیش از آن به نخست وزیر منصوب شده بود . انتصاب وی از آن نظر حائز اهمیت بود که وی علاوه بر فرماندهی ارتش که گفته میشود از حزب کمونیست بیشتر مورد پذیرش مردم است ، در سال ۱۹۷۶ نیز به خاطر بیان اینکه " سران لهستانی به روی کارگران آتش نخواهند گشود " مغضوب واقع شد و بدین خاطر از حمایت بیشتری میتوانست برخوردار شود و از طرف دیگر در سرکوب مردم نقش سهیل تری را بعهده گیرد .

فاصله ای چندین ماهه در ارتداد بیرا ولی وی با انتقادات وی از اعتصاب ، سعی در محدود کردن آنها و سپس مذاکره با لخ و اوسا رئیس اتحادیه همبستگی و کاردینال کمپ رهبر کلیسای کاتولیک لهستان در باره ی پیشنهاد و برای ایجاد "شورای اشتی ملی" (نیوزویک ۱۶ ژانویه ۸۱) ، برای همکاری در جهت بهبود اقتصاد همراه بود . این دوران بالاخره منتهی به برقراری حکومت نظامی در ۲۲ آوریل شد که مسلماً از مدتی قبل برنامه ریزی شده بود . (۵)

اوضاع بین المللی

آنچه بسیاری را از این نظر متمجب ساخت ، شروع سرکوب جنبش تودهای توسط خود دولت لهستان بود . مسلماً با انتظارات متداول و تبلیغات روزمره رسانههای همگانی غربی امکان مداخله شوروی بیشتر تصور بود . ولی به نظر ما هنوز عواملی که در فوق (به نقل از رهائی شماره ۶۵) شمرده می شود به قوت خود باقیست . امکان خارج شدن لهستان از حیطه قدرت شوروی نیز جدی نشده بود که مداخله نظامی شوروی را محتملتر سازد . از عوامل بازدارنده ای دیگر شرایط حاضر بخصوص با تبلیغات شدید دولت ریگان در چند ماه اخیر ، احتمال حمله نظامی امریکا به کوبا و ونیکرا گوئیمود . هر یک از رویدادهای فوق ، بهر صورت میتوانستند منجر به ایجاد بحرانی بسیار شدید تر از بحران کنونی در سطح بین المللی شوند .

جدا از مداخله یا عدم مداخله شوروی ، یکی از تحولاتی که بدنبال و با استفاده از شروع سرکوب در لهستان بوقوع پیوست ، و در حقیقت رویدادهای لهستان آنرا به شدت تسهیل کرد ، الحاق بلنندیهای جولان توسط اسرائیل بود . به قول مسروف آش بقدری شور بود که خان هم فهمیده و مجله تایم مورخ ۲۸ دسامبر کاریکاتوری از کروی زمین را به جاب رسانیده است . در یک طرف آن چند نفره نقشه ی "لهستان" نگاشته میکنند . در حالیکه در زیر کره بگین در شمال یک گره ارتفاعات جولان را گاز زده و بلعیده است . اسرائیل با "سو" استفاده از اوضاع لهستان و سرگرم بودن افکار بین المللی " قانون الحاق جولان " را به تصویب پارلمان رسانید و به تجاوز خود به سرزمینهای اعراب بعد تازه ای بخشید . مسئله حکومت نظامی در لهستان بطرز قابل انتظاری موجب اعتراض در کشورهای عربی و جهان

توضیح
مقالات بی امضا نشریه رهائی منعکس کننده ای نظری عمومی سازمان وحدت کمونیستی است. سایر مقالات که با امضا منتشر میشوند با آنکه از جنبه کلی منطبق با نظرات سازمان هستند ، معضداً میتوانند در پاره ای از جزئیات مطابق نظر همهی اعضا آن نباشند .

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه داری نیست

به یاروژسکی ها خواهد رسید .

(۲) قابل ذکر است که همچنانکه در آن سلسله مقالات بیان کردیم انتظار داشتیم اراکلی واقعات تاریخی به مذاق استبداد اینستهای که عمری را به یمن تحریف تاریخ جنبش کارگری به بقای سیاسی خود ادامه دادمانده خوش بیاید . در این رابطه "راه کارگر" شماره ۷۵ در مقاله خود درباره‌ی لهستان بدون ذکر نام ما (و اعباراتی که شایسته‌ی خودانست) اظهار لطف کرده بود که شبه ترسکیستها و ماژویستها با ترفیق استالین "وارد و گاه سوسیالیستی" حمله میکنند و برای اینکه از جر جیل هم نفل میکنند . برای اطلاع خوانندگان "راه کارگر" باید بگوئیم که منظور ما بودیم که از خاطرات جر جیل در باره مذاکرات با استالین و همچنین از نامه‌ی استالین به چرچیل در باره لهستان نقل کرده بودیم . البته راه کارگر زیرگانه "اعتراف استالین" را زیر سبیلی در کرده بوده و طبق معمول هم یک کلمه در باب اثبات نادرستی مطالب طرح شده ابراز نکرده بود .

(۳) از جمله این خصوصیات که باید در تحلیلی ضروری از نظام حاکم بر شوروی و سایر کشورهای بلوک شرق در نظر گرفته شوند عبارتند از :

الف - برنامه ریزی بوروکراتیک و از بالا که در نتیجه اجازه‌ی نوآوری و پیشرفت سریع در صنعت را ننمیدهد و همواره نیز اهداف غیر واقعی و غلط برای تولید تعیین میکند . مستولید کالاهای بدون مصرف که از کارخانه به انبار منتقل میشوند و مبالغ قابل توجهی را تشکیل میدهند . چ - اشتغال کاذب .

مثلا گفته میشود ۱۵ میلیون از افراد شاغل در شوروی را میتوان از پرورشی تولیدکننده گذاشت و تولید ثابت بماند و بیا حتی بالا برود . د - عدم استفاده از ظرفیت کامل صنایع . (نقل به مفهوم از "قرن وقایع غیر منتظره تحلیلی از جامع نوع شوروی" نوشته‌ی سازمان سوسیالیستی مستقل بنام "بیگ تلیگ")

(۴) در صورت ورشکسته شدن لهستان و امهای این بانکها پرداخت نمیشوند و در نتیجه این بانکها باید وامها را در اصل سرمایه‌ی خود منظور کنند که باعث تقلیل قدرت داد و نام میشود . به گزارش یک روزنامه معتبر اروپائی یعنی ساندی تا یمز بانکداران غربی بطور محرمانه چندی قبل خواهان یک حکومت قوی در لهستان شده بودند .

(۵) باید دانست که در کنگره‌ی "همبستگی" در ماه سپتامبر قطعنامه‌ی هائی مبنی بر دعوت به انتخابات آزاد برای پارلمان و خواست رفتارندم برای انتخاب بین برنامه‌ی خود گردانسی اتحادیه و طرح دولت دعوت از کارگران بلوک شرق و شوروی بتشکیل اتحادیه‌های مستقل تصویب و منجر به فشار شدیدی شوروی شد . بود (مجله‌ی "تایم ۳ ژانویه" . کشور "سوسیالیستی" را که پس از ۳۰ سال از نظر خواهی در میان کارگران در باره‌ی برنامه‌ی خود و اتحادیه‌ی مستقل آنها بهراسد به واقع باید از عجاب روی زمین دانست . بجای مارکس !

(۶) و این در حالیکه مطبوعات فرانسه مرتبانه نامه‌ی هائی از گروه گروه اعضای حزب کمونیست فرانسه در اعتراض به اوضاع لهستان بجاپ می‌رسانند .

ادامه دارد

سوم - را از جوانب مختلف دامن زد . از طرفی رنگان رئیس جمهور امریکا که چندی قبل به شیوای فاشیستی کارمندان برجهای کنترل فرودگاههای امریکا را بخاطر اضا فمحقوق اعتصاب کرده بود نه بلافاصله خراج کرد و اتحادیه‌ی آنها را هم به مرز انحلال رسانید ، و دولت وی هنوز از رژیمهای فاشیستی و نظا می دست راستی مثل السالوادور ، آرژانتین ، شیلی . . . که در سراسر جهان مشغول قتل عام مردم هستند ، شدیدا حمایت میکند ناگهان به یاد از دست رفتن حقوق اتحادیه‌ی سرکوب آزادیهادر لهستان افتاد ! لپاپ و تیلانجا ن پهل دوم که خود لهستانی است و بنا به طبیعت کلیسا و پاپ بودن دست راستی است ، و خود مدتی است کشیش‌هایی را که در امریکا لاتین به جنبش‌های ضد دیکتاتور پیوسته‌اند تحت فشار قرار داد فاست ، نیز صدای اعتراض را بلند کرد و با فرستادن نماینده به لهستان و روشن کردن شمع پشت پنجره در شب کریسمس اظهار "نگرانی کرد .

ولی مخالفتها و اعتراضات به اینجا ختم نمیشود . میتران رئیس جمهور "سوسیالیست" فرانسه و سوسیالیست دموکراتها احزاب اوورکومنیست ("کومنیست اروپائی") مثل احزاب کومنیست اسپانیا و ایتالیا شدیدا به دولت لهستان اعتراض کردند . حتی حزب کومنیست فرانسه که به طرفداری از خط مسکو شهرت دارد دولت لهستان را نصیحت کرد که زور بکار نبرد و اظهار امیدواری کرد که اوضاع بزودی به حالت عادی بازگردد . (۶)

توضیحات

(۱) منابع رسمی دولت لهستان تعداد کشته‌شدگان را ۸ نفر اعلام کرد مانده (خبرگزاری یونایتد پریس به نقل از ژنرال تادور شاجیلو عضو شورای نظامی - روزنامه کیهان انگلیسی ۱۰ دی ۱۳۶۰) ولی بعنوان مثال خبرگزاری فرانسه به نقل از یک شبنامه‌ی "همبستگی" شعبه ورشو در تاریخ ۲۲ دسامبر (اول دی) گزارش داد که در حمله‌ی نیروهای امنیتی به یک کارخانه‌ی واگن سازی ۱۵ اعتصابی کشته‌شدند (کیهان انگلیسی ۲۲ دی) . در هر صورت چه در مورد کشته‌شدگان و چه در مورد دستگیریها آمار دقیقی به علت سانسور شدیدی دولت لهستان وجود ندارد . ولی آنچه مسلم است اینست که حتی خبرگزاری تاس از اعتصابات و حتی بمب گذاری در مدخل یک معدن و تهدید به انفجار در صورت حمله‌ی دولت توسط هواداران "همبستگی" سخن رانده است که این خود اذعان بر وجود مقاومت در سطح قابل توجهی است . مسئله‌ی دیگر دستگیری کیرک دبیرکل سابق حزب کومنیست لهستان و چند تن دیگر از مقامات دولتی وینا هندیگی در متن از مهترین سفرای لهستان است . طبق معمول سنواتی افراد و نه نظام و گناهکار شناخته شده مانده باید پرسید که مثال کیرک و یوا کومولکا (که وی نیز چندین سال در زندان بسر برده بود و پس از برسرگارد آمدن در ۱۹۵۶ در سال ۱۹۷۰ با بی‌بروشی بسر کنار شد) محصول کدام نظام اجتماعی هستند (آیا غیر از اینست که بنا به ادعای ایدئولوژیکهای بلوک شرق مردم این کشور بیش از نیمی از عمر خود را تحت حکومت "شخصی انقلابیون" "جاسوسان سیا" و غیره بسر می‌برند . بدوچک و کومولکا ، کیرک ، ترکی و سپس حفیظ اللامین . کی نیست

بقیه از صفحه ۶

۲۵۰ هزار دلار . پرونده های

دلاری کم نیست سلسله مقالات کیهان (قسمت سوم ۶۰/۲۰/۵) چند نمونه آنرا ذکر میکند از جمله یک پرونده ۲۰۰ الی ۷۵۰ میلیون دلاری ، یک پرونده " ۱۸۰ میلیون دلاری " و غیره . (۴) از عمده ترین ایرادات به این شش عضو و حتی " سه عضو بیطرف دادگاه " اینست که به حقوق اسلامی آشنا نیستند و " در چارچوب قوانین کشورهای غربی کار میکنند " بنا بر این نمیتوان گفت که سه نفر اعضا " غیر امریکائی این دادگاه صد درصد بیطرف هستند " (مراجعه شود به همان سلسله مقالات " تحقیقی " کیهان ، قسمت سوم ، ۶۰/۱۰/۵) (۵) این عبارت کمی مبهم نگارش یافته است . منظور دقیق آن اینست : در مرحله ی قبل از داوری یعنی در مرحله ی " حل و فصل ادعاها " ، اگر با دولت امریکا و کمپانی های این کشور ، سازش صورت نگیرد و بخشی عمده یا اصل ادعاها ی آنها پذیرفته نشود ، در مرحله داوری ، ممکنست وضع وخیم تر شود یعنی داوری علاوه بر اصل ادعاها ، رژیم اسلامی را محکوم به پرداخت بهره ، بهره دیر کرد و عدم النفع کند .

(۶) در همین رابطه است که نویسنده سند در صفحه ۵ بنحوی روشن برای مقامات رژیم اسلامی و مبهم برای دیگران ، توصیه میکند :

" . . ذکر این نکته ضروری است که حل و فصل ادعاها در خارج از داوری در چارچوب مهلت فوق (مهلت نهائی برای ارجاع دعوی به هیئت داوری) نبوده و هر موقع تا زمان رسیدگی هیئت داوری و حتی ضمن رسیدگی هیئت داوری و قبل از صدور رای نیز امکان پذیر میباشد چه در چنین صورتی خواهان (امریکائی) میتواند ادعای خود را از دیوان داوری مسترد نماید و دعوی حل و فصل شده تلقی گردد " .

(۷) گویا در رابطه با این پیشنهاد بود که " مجلس (شورای اسلامی) لایحه دوفوریتی دولت را در مورد استخدام افراد برای دفاع از منافع ایران (اسلامی) در چارچوب بیانیه الجزایر تصویب کرد " . به موجب این لایحه ، دولت (اسلامی) نمی تواند برای اجرای بیانیه الجزایر و اقامه و تعقیب دعوی علیه خارجیان به منظور استیضای حقوق ملت (مسلمان) ایران بدون رعایت مقررات اداری و استخدامی و محاسبات عمومی و بودجهای از خدمات اشخاص حقیقی و

حقوقی ایرانی و خارجی استفاده نماید " (همان " گزارش تحقیقی کیهان " ، قسمت اول ، ۶۰/۱۰/۲) .

و در رابطه با این پیشنهاد بود که گویا " در ایران تعداد وکلا و کارشناسان قضائی که وقت آزاد داشته باشند ، خیلی کم است (!) " . بنا بر این ما ناچاریم در سرا سر دنیا نیروهای را بر دفاع از دادخواستهای (رژیم اسلامی) ایران و جوابگویی به دادخواستهای امریکا بسیج کنیم . شاید ۱۰۰ حقوق دان از ملیتهای مختلف به استخدام دولت (اسلامی) ایران در بیایند . این اشخاص میتوانند ملیت های مختلف داشته باشند . (همان " گزارش تحقیقی " کیهان " ، ۶۰/۱۰/۵)

حمله ور شدند .

و مدارس دانش آموزان را در مدرسه نگاه میدارند . (در این حمله ی برق آسا به شهرهای ۲ پاسبان ۸ پاسدار و ۱ جاش به هلاکت میرسند ، پیشمرگان همچنین ۸ پاسبان و ضمناً تمام پاسدارانی را که در منطقه ی تحت کنترل آنها مشغول استحمام بودند به گروگان میگیرند .

در طی حمله مرتباً شعار مرگ بر خمینی ، شعارهای دیگر و سرودهای انقلابی در میان باران گلوله به گوش میرسید . دانش آموزان نیز در مدارس با خواندن سرود از پیشمرگان حمایت میکردند . حمله تا ساعت ۱۱ شب بطول انجامید و یک پیشمرگ شهید و یک پیشمرگ دیگر زخمی شدند .

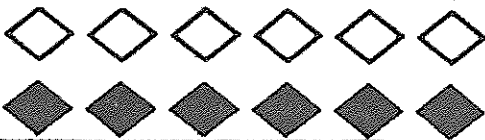
پاسداران شجاع (که تا ساعت ۷ صبح روز بعد از حمله حرارت بیرون آمدن از مخفیگاههای خود را نداشتند ، پس از خروج پیشمرگان از شهر ، د و روز را بطور مطلق اعلام حکومت نظامی کردند که طی روز رفت و آمد در طی تمام ۲۴ ساعت کاملاً ممنوع بود . در طی این مدت ، مزدوران رژیم به خانه گردی وسیع پرداخته و در حدود ۴۰۰ نفر را دستگیر کردند . عدای از این تعداد تدریجاً آزاد ولی بقیه هنوز در زندان بسر میبرند .

پاسداران سرمایه در طی خانه گردیها حتی دسته ی بهایی را که از پنجره بیرون آمده بود بجای لوله تفنگ گرفته و بسوی آن تیراندازی میکنند در سطح شهر شایع است که انگیزه حمله ضربه زدن به شهر بانی بوده که مدت است به آزار مردم پرداخته و از هیچ امری در این راه کوتاهی نمیکرد . کلا این حرکت در بالابردن روحیه ی مبارزاتی مردم اثر بسیار چشمگیر بجا گذاشته و بالعکس آثار ترس را در مزدوران رژیم بخوبی آشکار کرده است .

سند

۶۰/۷/۱۶ - در ساعت ۳ بعد از ظهر ، ۳ نفر اتومبیل پلیس راه سندج را متوقف ساخته و میگویند ماشین ما خراب شده و از آنها کمک میخواهنته ۲ پلیس راه به محض پیدا شدن خلع سلاح میشوند . سپس این ۳ نفر سوار اتومبیل پلیس راه شده و در بین راه به تمام کمیته ها تیراندازی میکنند . در خیابان شهر نیز با تلفنگوی ماشین پلیس شعار میدهند ترک بر خمینی " سپس پس از مدتی ماشین را در کوچگای به تیسر چراغ برق زده و فرار میکنند .

۶۰/۷/۱۶ - پیشمرگان کومله ، ۱۳ نفر از جاشهای " پیشمرگان مسلمان کرد " را به گروگان میگیرند . جریان امر بدین صورت بود که پیشمرگان کومله خود را به شکل جاشها در آورده و به مقر آنها میروند . در آنجا میگویند درگیری سختی روی داده است و خواهان نیرو میباشند ولی پس از خروج از مقر در یکی از کوچگها پیشمرگان دیگری از کومله به جاشها ایست داده و پس از خلع سلاح آنها را به گروگان میگیرند .



اخبار...

بقیه از صفحه ۱۲

در اداره ی پیشاهنگی از کارمندانیکه بیش از ۵ سال خدمت کرده اند "تست هوش و مکتب" به عمل آمده است و به آنها گفته شده که فقط در صورت موفقیت در آزمون اجازت ادعای کار را خواهند داشت. همچنین طبقی هفتم این اداره، مدتی توسط پاسداران بر اساس بازجوییهای اولیسه مبارزین مورد استفاده قرار میگرفت که پس از این بازرسها آنها را با سر صورت زخمی به جای دیگر منتقل میکردند. ولی پس از مطلع شدن کارمندان انجام این اعمال جنایتکارانه به محل دیگری منتقل شده است.

علت انفجار در جواهر فروشی واقع در خیابان کریمخان زند، همگاری صاحب مفازه با ارگانهای سرکوب رژیم در اسودادن مبارزین بوده است.

علت سکنه ظبی و مرگ حجت الاسلام لاهوتی، همسوم پاسداران به منزل وی برای دستگیری پسر وی، از هواداران مجاهدین بوده است. گفته میشود که در این واقعه گلولهای نیز به خود حجت الاسلام لاهوتی اصابت کرده است.

روز چهارم آبان، جلسهای در آمفی تاتر ساختمان وزارت کشاورزی در خیابان بلوار برپا میشود. در این جلسه معاونان و رؤسای وزارت خارجه را جایزه گرفت و سپس پس از اختلاف با موسوی، معاون وزارت کشاورزی شد (پشت تریبون رفته همه فحاشی به زنان کارمند میبردند). یکی از زنان شجاع کارمند از جا برخاسته و از پشت میکروفون پاسخ مناسبی بوی میدهد. به دنبال این امر بین انجمن اسلامی وزارتخانه و صادقی و معاونش اختلافاتی رخ داد. انجمن اسلامی به جمع آوری اعضاء برای برکناری آنها پرداخت، ولی گویا باند آنها قویتر بود و انجمن اسلامی را منحل کرد.

سفر

۷/۱۵ - یک گروه از پیشمرگان کوهله وارد شهر میشوند و تا ساعت ۲ این مزدوران رژیم در گیرشده و سپس شهر را تخلیه میکنند. ساعت ۳ صبح پاسداران به خانههای طرف محل درگیری هجوم برده و به جستجو میپردازند ولی سرانجام دست خالی آنها را ترک میکنند.

۸/۱۳ - راهپیمایی برگزار شده توسط سپاه پاسداران، که طی آن دانش آموزان دبستانی و راهنمایی را با تهدید به اخراج و اداریه شرکت در آن کرده بودند، به تظاهرات علیه رژیم تبدیل شد. این تظاهرات آنچنان برای پاسداران سرمایه غیر منتظره بود که به هیچ وجه، با وجود تیراندازیهای مکرر هوایی و زمینی، قادر به کنترل آن نبودند. تظاهرات ضد رژیم دانش آموزان بلافاصله مورد پشتیبانی وسیع مردم و دانش آموزان دبیرستانی نیز قرار گرفت.

دانش آموزان در این تظاهرات به دادن شعارهای انقلابی و خواندن سرودهای کردی پرداختند و تفرخود را از رژیم ابراز کردند. طی این تظاهرات بیش از ۲۰ نفر دانش آموز دبستانی و دبیرستانی دستگیر شدند، و یک دختر دبیرستانی نیز توسط پاسداران با اتومبیل زیر گرفته شد. از

دستگیرشدگان، بجز نفریقه تا ۵ آبان آزاد شدند. ۸/۱۵ - در نوازی بین دینفراز اهالی شهرویه پاسداری برای جدا کردن آنها، دوشیر به شکم یکی از آنها را کرد و وی را بدون هیچ دلیلی به قتل میرساند. مقتول حسین کیهانی نام داشت و دیپلم بود که بدین ترتیب قربانی فاشیسم کورنژاد پرستان جمهوری اسلامی میگردد.

بعد از درگیری جاده سقز - سنندج (درده مخونیان در ۴۰ کیلومتری سقز) بین پیشمرگان دموکرات و ارتشیها و پاسداران که منجر به کشتن تعداد زیادی از مزدوران رژیم شد، ژاندارمری سقز دستور داد که از ساعت ۴ بعد از ظهر به بعد هیچ وسیله نقلیه ای حق حرکت در جاده سقز - سنندج را ندارد و تمام اتوبوسهای مسافربری باید تا ساعت ۳ از بیجار خارج شوند. همچنین جاده سقز - سنندج شدیدا تحت کنترل است و در هر ۱۰ کیلومتر تعداد زیادی ارتشی و جاش و پاسدار در حال گشت هستند و یا مستقر شده اند.

۸/۱۹ - پاسداران جنایتکار سرمایه بعد از تلفاتی که شب قبل از پیشمرگان کوهله متحمل شده بودند، امروز دیونفراز ویی هیچ دلیلی با کالیبر ۵۰ و سلاحهای دیگر به مدرسه ی صدق حمله ور شده و دانش آموزان را به گلوله بستند و در اثر آن ۳ نفر از دانش آموزان به شهادت رسیدند.

۸/۲۰ - مردم شهر در ساعت ۱۰ صبح برای تشییع جنازه ی کاک ناصر صالحی، یکی از سه دانش آموز شهید، در مسجد جامع اجتماع کردند. انبوه جمعیت که به بیش از ۸ هزار نفر بالغ میشد در تخیمان رژیم راه و حضرت و هراس انداخت و آنها با حمله ی صفوف مردم از حرکت آنها بسوی گورستان شهر جلویگیری کردند.

۸/۲۴ - دانش آموزان مدرسه ی قانع با خواندن سرود های انقلابی و دادن شعارهای ضد رژیم حمله مد رسه صدق را محکوم کرده و خواستار معرفی و محاکمه ی علنی عاملان حمله ی جنایتکار به آن مدرسه شدند.

۸/۲۷ - تمام مدارس سقز دست به تحصن در داخل مدارس زده و کلاسها را تحریم کردند قاطعانه ی نیز از سوی دانش آموزان صادر گردید که در آن دانش آموزان خواستار معرفی و محاکمه ی عامل کشتار در مدرسه ی صدق، بازگشایی بد و ن قید و شرط کلیه ی مدارس منحل و عدم دخالت معلمان پاسدار و دختران حزب اللهی در مدارس، آزادی فعالیت سیاسی در مدارس، و بازگرداندن دانش آموزان و معلمان اخراجی به مدارس شدند.

این اعتراضات در روز ادامه یافت. در روز سوم بر اثر تبلیغات هواداران حزب توده و اکثریت خائن و همچنین تهدید سپاه به تیراندازی تعدادی از دانش آموزان به سرکلاسها رفتند. بقیه دانش آموزان با شکستن پنجره ها و دادن شعارهای انقلابی محیط مدرسه را ترک کردند. پس از این واقعه ۵ نفر از دانش آموزان مدارس مختلف که شناسایی شده بودند از مدرسه اخراج شدند. امید است که امتهتصاب بعدی سازمان یافته تر، با شکوه تر و آماجگی کامل برگزار شود.

۱۰/۷ - پیشمرگان کوهله که از دیروز قبل مغفیلته وارد شهر شدند، در ساعت ۴ بعد از ظهر در خیابانهای شهر آشکار شدند و به طرف شهرسانی

اخبار

بازه

۶۰/۸/۱۵ - در موشن از توابع بانهد رجاده می سرد شد، تا کنون سه بار توسط ارتش و پاسداران سرمایه مورد حمله واقع شده است. علیرغم پشتیبانی هوایی از نیروهای رژیم، پیشمرگان با مقاومت سرسختانه آنها را وادار به عقب نشینی کرده و در هر حمله تعداد زیادی ارتش و جاش و پاسداران به هلاکت رسانیده اند. اکنون نیز در روز است که ده ها موشک مورد حمله قرار گرفته است و مقاومت دلیرانه پیشمرگان ادامه دارد.

۶۰/۹/۲۰ - از چند روز پیش تا کنون، چند ستون ارتشی برای باز کردن راه بانهد سرد شد حرکت کردند ولی هر بار با کمین پیشمرگان مواجه گردیده، و با دادن تلفات زیاد وادار به عقب نشینی شدند.

■ اوضاع عمومی بانهد، وجود اختناق و سرکوب شدید تراز سایر شهرهای کردستان است. پاسداران سرمایه هر روز تعدادی از جوانان شهر را به بهانه های مختلف دستگیر کرده و روانه زندانها می سازند بسیاری از جوانان شهر به هنگام شب از شهر خارج شده و به میازنه ادامه میدهند. یکی از حیلله های رژیم این است که هر چند گاه تعدادی از افراد عادی شهر را دستگیر و آنها را محکوم به اعدام میکند، سپس اعلام میکند که اگر پیشمرگان حاضر به ممانعت آنها با اسیران خود نباشند احکام اعدام را اجرا خواهد کرد. به این ترتیب رژیم موفق به باز پس گرفتن تعدادی از افراد خود شده است. پرواضح است که این عمل رژیم کینهی مردم را نسبت به آن بیشتر کرده و بر حمایت مردم از پیشمرگان و وجدان می افزاید.

بوکان

۶۰/۷/۱ - شایعه تسخیر بوکان توسط رژیم قوت می گیرد.
۶۰/۷/۲ - ارتشی ها و پاسداران از روستای سرا (بین سقزو بوکان) به طرف روستای کهریزه (در حد و ۲ کیلومتری بوکان) پیشروی میکنند و پس از عبور از کهریزه در ارتفاعات "توله که" مستقر میشوند.

۶۰/۷/۴ - نیروها کهریزه به ارتفاعات نعله شکن بوکان رسیده اند ولی پیشمرگان از شهر خارج شدند.

۶۰/۷/۱۴ - کوهستانی ها میگویند شهر را میتوانیم بگیریم ولی در حال حاضر مهلت کم داریم.

۶۰/۸/۱۵ - پیشمرگان جنبش مقاومت طی یک حمله گسترده در ساعت ۴ صبح وارد شهر شد و تعداد زیادی جاش و پاسداران را کشته، زخمی و اسیر کردند. شهر تا غروب در کنترل پیشمرگان بود و سپس شهر را ترک کردند. در این درگیریها هیچ آسیب جانی به پیشمرگان وارد نشد، ولی تعدادی از مردم شهر در خمپاره باران شهر توسط ارتش زخمی و کشته شدند.

۶۰/۹/۲۱ - پیشمرگان در موکرات از صبح بیستم وارد شهر شدند، و با حمله به مقرهای پاسداران جاشها و ارتشی ها عده ای زیادی را به هلاکت رساندند آنها تا غروب در شهر باقی ماندند و به درگیریهای متفرقه با مزدوران رژیم پرداختند و سپس با تارک شدن هوا با موفقیت و بدون دادن تلفات شهر را ترک کردند. تا کنون که صبح روز بیست و یکم است، اجساد بیش از ۱۳ جاش و پاسدار ارتشی به سردخانهی سقز منتقل شده است.

تکاب

۶۰/۹/۱۸ - تعدادی پاسدار و جاش در ساعت سه صبح به ده کویبه قران، به محل یکی از مقرهای حزب دموکرات، حمله کرده و پس از درگیریهای شدید که به محاصره آنها منتهی شد، بیش از ۱۵ نفر جاش و پاسدار کشته و عده ای زیادی هم زخمی شدند. در این درگیریها ۲ تن از پیشمرگان حزب نیز کشته شدند.

روزنامه کیهان با کمال وقاحت ادعا کرد که در این روزها درگیریها ۳۸ نفر از افراد حزب دموکرات کشته و همین تعداد دستگیر شده اند. البته تعدادی از مردم بیگناها طرف کویبه قران دستگیر شدند که در زندان رژیم در تکاب بسر میبرند. ولی نحوه انتشار خبر در کیهان و دروغهای شاخدا را آن هدفی جز روحیه دادن به مزدوران رژیم در نقاط دیگر ندارد.

۶۰/۹/۱۹ - ده کویبه قران باز مورد حمله توپ و خمپاره جاشها، پاسدارها و ارتشی ها قرار گرفت. طی این حمله ی وحشیانه، تعداد زیادی از مردم بیگنا به شهادت رسیدند. قتل عام هنگامی تفاق افتاد که حزب دموکرات مقرر خود را تخلیه کرده و به محل دیگری رفتند. شاهدان عینی، زنی حاطه را مشاهده کرده بودند که در اثر برخورد ترکش خمپاره، چنین چند ماهی به بیرون افتاد و هردو کشته شده بودند.

۶۰/۹/۲۰ - دو ستون ارتشی که برای تصرف یکی از مقرهای کوهلهدها تا طرف تکاب حمله ور شدند، در اثر ضد حمله ی شجاعانه ی پیشمرگان کوهله دره در پاینده و نابود شدند. البته دستگهای تبلیغاتی رژیم طبق معمول به گزافه گویی خود در مورد "هلاکت دهها ضد انقلابی" ادامه دادند.

تهران

■ در اواسط سپتامبر، کارمندان قسمت ۱۸ اداری مخابرات به تفسیر در ساعات کار و همچنین علیه فشار در مورد رعایت حجاب اخباری اعتراض میکنند. برای مقابله با این اعتراضات بحق، مسئولین اداره کارمندان را "ضد انقلابی" میخوانند (والحق که بجز یک اقلیت تصدیر کار کمتر کسی را در جامعه میتوان یافت که "ضد انقلاب" نباشد) و از آنها ۲۵۰ نفر را اخراج میکنند.